

An Analytical Study of the Moral and Social Principles Governing Collective Interactions in the Qur'anic Verses: A Qur'anic Approach to Social Purification

(Received: 2025-05-12 Acceptance: 2025-07-22)

Maliheh Sadat Seyyedreza Dulabi¹ 

Masoumeh Sadat Saeidi Hosseini² 

Abstract

Social purification (tazkiyah ijtimā'ī) in the Qur'anic worldview is a multidimensional process that begins with the refinement of the individual self and culminates in the reformation of the moral and structural foundations of society. Employing the thematic content analysis method and focusing on the contextual coherence (siyaq) of the verses, this study identifies and analyzes three main strategies for realizing social purification.

The first and most fundamental strategy is “enhancing the integrity of social interactions,” which is grounded in mutual trust, respect for individual rights and boundaries, control of one’s gaze, and avoidance of suspicion and encroachment upon others’ rights. This approach forms the core of human relationship reform and ensures collective peace and moral soundness. From the Qur'anic perspective, it serves as the primary context for both the emergence and prevention of moral deviation within society.

The second strategy is “social guidance and collective moral education,” highlighting the crucial role of divine pedagogical systems—prophets, and Qur'an-based educational institutions—in cultivating socially responsible behaviors and strengthening ethical values. Such organized guidance establishes the foundation for moral growth and the sustainability of purification at the societal level.

The third strategy is “promoting the spirit of generosity and charity,” which functions as an effective means of countering the internal roots of social corruption, such as greed and materialism. It fosters social justice, reduces economic disparities, and strengthens communal solidarity.

The findings indicate that social purification in the Qur'an is a multi-layered and coherent process that simultaneously pursues the reform of social relations, educational guidance, and moral reinforcement—ultimately paving the way for a balanced, ethical, and God-centered society.

Keywords: Qur'an, Social Purification, Content Analysis, Ethics, Social Interactions, Guidance, Charity.

1. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Alameh Askari International University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) dr.seyyedreza@yahoo.com

2. Ph.D. Student in Qur'anic and Hadith Sciences, Alameh Askari International University, Tehran, Iran. Msaedi.h88@gmail.com



تحلیل اصول اخلاقی و اجتماعی مؤثر بر تعاملات جمعی در آیات قرآن کریم: رویکردی به تزکیه اجتماعی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۳۱)

ملیحه السادات سیدرضا دولابی^۱

معصومه السادات سعیدی حسینی^۲

چکیده

تزکیه‌ی اجتماعی در منظومه‌ی قرآنی، فرآیندی چندساحتی است که از تهذیب نفس فردی آغاز شده و به اصلاح بنیادهای اخلاقی و ساختاری جامعه می‌انجامد. این پژوهش با روش تحلیل محتوای مضمونی و تمرکز بر سیاق آیات، سه راهبرد اصلی در تحقق تزکیه اجتماعی را استخراج و تحلیل کرده است. مهم‌ترین راهبرد، «تقویت سلامت تعاملات اجتماعی» است که بر پایه اعتماد متقابل، رعایت حقوق و حریم‌های فردی، کنترل نگاه و پرهیز از بدبینی و تجاوز به حقوق دیگران استوار است. این راهبرد شالوده اصلاح روابط انسانی و تضمین سلامت و آرامش جمعی را تشکیل می‌دهد و از نظر قرآن، اصلی‌ترین بستر بروز یا پیشگیری از انحرافات اخلاقی در جامعه است. راهبرد دوم، «هدایت‌گری اجتماعی و تربیت اخلاق جمعی» است که نقش نظام‌های تربیتی الهی، پیامبران و نهادهای آموزش و حیانی را در شکل‌دهی رفتارهای جامعه‌پسند و تقویت ارزش‌های اخلاقی برجسته می‌کند. این هدایت سازمان یافته، پایه‌گذار رشد اخلاقی و پایداری تزکیه در سطح اجتماعی است. سومین راهبرد، «ترویج روحیه انفاق و بخشش» است که به عنوان راهکاری مؤثر برای مقابله با ریشه‌های درونی فساد اجتماعی مانند بخل و دنیاطلبی، زمینه‌ساز عدالت اجتماعی، کاهش فاصله‌های اقتصادی و تقویت پیوندهای جمعی شناخته می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد تزکیه اجتماعی در قرآن، فرآیندی چندسطحی و منسجم است که اصلاح روابط اجتماعی، هدایت تربیتی و تقویت ارزش‌های اخلاقی را به‌طور هم‌زمان دنبال می‌کند و در نهایت زمینه‌ساز جامعه‌ای متعادل، اخلاق‌محور و الهی می‌گردد.

کلمات کلیدی: قرآن، تزکیه اجتماعی، تحلیل محتوا، اخلاق، تعاملات اجتماعی، هدایت‌گری، انفاق.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین‌المللی علامه عسکری، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
dr.seyyedreza@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی علامه عسکری، تهران، ایران.
Msaeidi.h88@gmail.com



مقدمه:

مفهوم «تزکیه» از بنیادی‌ترین مفاهیم تربیتی در قرآن کریم است که در بستر واژه‌شناسی از ریشه «زکّو» به معنای رشد، فزونی، طهارت و صلاح مشتق شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۱۷؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۳۹۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۴، ص ۳۸۵؛ مصطفوی، ۱۴۱۶: ج ۴، ص ۲۹۳). واژه «تزکیه» در آیات متعدد قرآن کریم، مفهومی فراتر از اصلاح فردی دارد و ابعاد اجتماعی، اخلاقی و حتی تمدنی را نیز دربر می‌گیرد. قرآن، تزکیه را فرایندی نظام‌مند و هدفمند در مسیر هدایت انسان به سوی کمال و تحقق غایت آفرینش معرفی می‌کند؛ فرآیندی که از پالایش درونی آغاز می‌شود و در نهایت باید در رفتار بیرونی و تعاملات اجتماعی تجلی یابد. از این منظر، تزکیه صرفاً یک مفهوم اخلاقی فردی نیست، بلکه ساختاری چندلایه دارد که هم بُعد شخصی و درونی انسان را در بر می‌گیرد و هم ناظر به اصلاح مناسبات جمعی است. در این چارچوب، تعلیم و تربیت به عنوان دو مؤلفه مکمل در فرآیند رشد و بالندگی انسان، در پیوندی تنگاتنگ با تزکیه قرار دارند و در مجموع، سازوکار تحقق تربیت و کمال انسانی را شکل می‌دهند.

تربیت در نگاه قرآن، تنها به رشد طبیعی و خودانگیخته استعدادهای روح محدود نمی‌شود، بلکه جهت‌دهی آن‌ها در مسیر اهداف خلقت را دنبال می‌کند؛ چرا که روح انسان دارای گرایش‌های متضادی است و فعلیت یافتن هر استعداد، ضرورتاً مطلوب نیست. از این منظر، تربیت قرآنی بر پرورش قوا و گرایش‌های فطری الهی تمرکز دارد تا آدمی را به مقام عبودیت و مسئولیت اجتماعی برساند (مطهری، ۱۳۶۲: ص ۸). پژوهش‌های معاصر نیز این نگاه را تقویت کرده‌اند؛ چنان‌که برخی مطالعات مانند سلیمی و رحیمی‌پور (۱۳۹۱) و ترکمانی و بیگدلی (۱۳۹۴) با تمرکز بر تحلیل مفهومی و قرآنی، تزکیه را رکن اصلی تربیت قرآنی دانسته‌اند. در رویکردهای تفسیری و اخلاقی نیز دیدگاه‌هایی چون فیروزمهر (۱۳۹۶)، قهرمانیان و حسینی‌زاده (۱۳۹۰) و صدر (۱۳۸۹)، تزکیه را فرایندی درونی با تأثیرات بیرونی و اجتماعی معرفی کرده‌اند. همچنین، پژوهش‌هایی با نگرش تطبیقی، مانند فیروزفر و همکاران (۱۳۹۳) و فلاح‌پور (۱۳۹۰)، ضمن بررسی مفهومی و معناشناختی، ابعاد چندگانه و تمدنی این مفهوم را برجسته ساخته‌اند. این پیشینه‌ها نشان می‌دهند که تبیین راهکارهای تحقق تزکیه در ساحت اجتماعی، به‌ویژه از منظر قرآن، ضرورتی بنیادین برای درک نظام تربیتی اسلامی است.

با وجود اهمیت فراوان این مفهوم، به نظر می‌رسد ابعاد اجتماعی تزکیه و نقش آن در شکل‌دهی به مناسبات اخلاقی، فرهنگی و رفتاری جامعه، هنوز نیازمند

واکاوی بیشتری است. از این رو، پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که: قرآن کریم چه راهکارها، دستورها و توصیه‌هایی برای تحقق تزکیه اجتماعی و پالایش روابط انسانی ارائه داده است و این راهکارها چه موانعی را در مسیر خود پیش رو دارند؟ آیا قرآن تزکیه را صرفاً در سطح فردی دنبال می‌کند یا پیوندی میان تزکیه فردی و اجتماعی برقرار کرده که بتوان از آن در راستای اصلاح جامعه بهره برد؟ همچنین موانع فرهنگی، روانی و رفتاری تزکیه در سطح جامعه چیست و قرآن چه راهبردهایی برای اصلاح آن‌ها معرفی کرده است؟

پاسخ به این سؤالات در فضای کنونی جوامع اسلامی، که با بحران‌های اخلاقی و ضعف سرمایه اجتماعی مواجه‌اند، ضرورتی دوچندان یافته است. زیرا قرآن نه تنها به عنوان متن مقدس دینی، بلکه به مثابه منبعی راهبردی برای سازمان‌دهی اخلاق فردی و جمعی، دستورهایی ارائه کرده است که قابلیت عملیاتی شدن در عرصه‌های مختلف زندگی را دارد.

در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای مضمونی، تلاش خواهد شد تا آیات مرتبط با تزکیه اجتماعی از حیث مفاهیم کلیدی، ساختار معنایی و پیامدهای رفتاری دسته‌بندی و تحلیل شوند. این روش، که در مطالعات کیفی علوم اجتماعی و نیز در تحقیقات قرآنی روشی معتبر است (کرپیندورف، ۱۳۸۷: ص ۲۵؛ باردن، ۱۳۷۵: ص ۲۹ و ۴۴؛ هولستی، ۱۳۹۱: ص ۱۴؛ محمدی مهر، ۱۳۸۹: ص ۳۲؛ جانی پور و شکرانی، ۱۳۹۲: ص ۵)، امکان استخراج نظام‌مند مفاهیم ضمنی و صریح قرآن را فراهم می‌سازد. هدف اصلی پژوهش، شناسایی راهکارهای تحقق تزکیه اجتماعی در قرآن کریم است و اهداف فرعی آن، شامل تحلیل نسبت تزکیه فردی و اجتماعی، شناخت موانع قرآنی تزکیه در مناسبات جمعی، و ارائه راه‌حل‌هایی برای عبور از این موانع است.

تحقق تزکیه در ساحت اجتماعی

یکی از اهداف محوری قرآن کریم، نظام‌سازی اخلاقی در راستای تزکیه اجتماعی است؛ تزکیه‌ای که فراتر از تهذیب فردی، به اصلاح رفتارهای جمعی، الگوهای ارتباطی و ساختارهای اخلاقی جامعه می‌پردازد. از رهگذر این نگاه، قرآن با ارائه مجموعه‌ای منسجم از آموزه‌های رفتاری و اجتماعی، زمینه‌ی شکل‌گیری یک نظام اخلاقی قرآنی را فراهم می‌آورد؛ نظامی که غایت آن، ایجاد جامعه‌ای متعادل، عدالت‌محور و برخوردار از امنیت رفتاری، اعتماد عمومی و همبستگی ایمانی است. در پژوهش حاضر، این آموزه‌های اجتماعی و اخلاقی با روش تحلیل محتوای مضامین قرآنی استخراج شده و در فرآیند مقوله‌بندی، در قالب سه راهکار کلی



دسته بندی شده اند. این راهکارها نمایانگر نقش بنیادین اخلاق قرآنی در سامان دهی زیست جمعی و فراهم سازی بسترهای لازم برای تحقق جامعه ای تزکیه شده و تعالی یافته می باشند.

۱. تقویت سلامت تعاملات اجتماعی

در فرایند تحقق تزکیه اجتماعی، «تقویت سلامت تعاملات اجتماعی» جایگاهی محوری دارد؛ چرا که پایداری اخلاقی جامعه در گرو اصلاح روابط میان افراد و التزام به اصول رفتاری است. آموزه های قرآنی با تأکید بر پرهیز از عهدشکنی، رعایت حریم دیگران، مراقبت در نگاه و گفتار، و تقویت حسن ظن در روابط ایمانی، الگویی روشن برای شکل گیری مناسباتی پاک، امن و اعتمادآفرین ترسیم می کنند که بنیان جامعه ای برخوردار از تزکیه اخلاقی را پی ریزی می کند.

۱.۱. پایبندی به تعهدات الهی و اجتماعی

در دین اسلام و بسیاری از نظام های اجتماعی، پایبندی به تعهدات و وعده ها امری اساسی و مهم تلقی می شود. انسان ها از نظر اخلاقی و اجتماعی موظف به رعایت و وفای به عهدهای خود هستند. در قرآن کریم، مسئله عهد و سوگند به ویژه در روابط انسانی و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. وفای به عهد نه تنها یک واجب اخلاقی، بلکه رکن اساسی در فرآیند تزکیه و رشد فردی و اجتماعی به شمار می رود. بی اعتنایی به این اصل، نه تنها موجب تضعیف بنیان های فردی و اجتماعی می شود، بلکه مانع رسیدن به تهذیب نفس و کمال معنوی خواهد گردید. در آیه ای از سوره آل عمران، به طور خاص بر افرادی که با دست

خود، عهدهای الهی را به بهای اندک می شکنند، نکوهش شده است:

(إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (آل عمران/ ۷۷)

در آیه ۷۷ سوره آل عمران، خداوند به شدت از کسانی یاد می کند که برای متاع ناچیز دنیا، عهد الهی و سوگندهای خود را می فروشند. این افراد از پنج نوع مجازات و محرومیت الهی برخوردار می شوند: بی نصیبی از آخرت، عدم سخن گفتن خدا با آنان، دوری از نظر رحمت الهی، محرومیت از تزکیه و در نهایت عذاب دردناک (قرائتی، ۱۳۸۸: ۵۴۵/۱). این مجازات ها به صورت تدریجی، نمایانگر فاصله گیری معنوی انسان از خداوند است، به طوری که با از دست دادن الطاف الهی، فرصت رشد و طهارت را نیز از دست می دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۶۲۸/۲). چنین وضعی نه تنها در آخرت که در همین دنیا نیز موجب سقوط اخلاقی

و محرومیت از رشد معنوی می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳/۴۱۸-۴۱۹). از این آیه استفاده می‌شود که یکی از راهکارهای بنیادین برای تحقق تزکیه، پایبندی به عهد الهی و حفظ صداقت در گفتار و تعاملات اجتماعی است. پیمان شکنی و دروغ‌گویی نه تنها ایمان فرد را مخدوش می‌سازد، بلکه سلامت اخلاقی جامعه را نیز تهدید کرده و آن را از مدار رحمت و هدایت الهی خارج می‌کند. حدیث نبوی که در منابع معتبر نقل شده این معنا را تأیید می‌کند: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ» (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷۶/۱۵؛ حویزی، ۱۴۱۲: ۳۴۹/۱؛ مراغی، بی‌تا: ۹۶/۳). از این رو، تقویت ارزش‌هایی چون امانت‌داری، وفای به عهد و راست‌گویی، پیش شرط تحقق تزکیه فردی و اجتماعی است و بی‌توجهی به این اصول، جامعه را در مسیر قهر تدریجی الهی قرار می‌دهد.

۱.۲. تقویت حسن ظن و جلوگیری از افترا، شایعه‌پراکنی و نشر اخبار بی پایه

یکی از ارکان اساسی تزکیه اجتماعی در جامعه ایمانی، سالم‌سازی روابط میان مؤمنان از طریق تقویت حسن ظن و جلوگیری از آفات اخلاقی نظیر افترا، شایعه‌پراکنی و نشر اخبار بی پایه است. قرآن کریم با تبیین آسیب‌های جدی این رفتارها بر پیوندهای ایمانی و امنیت روانی جامعه، مؤمنان را به مراقبت در گفتار، پرهیز از سوءظن و حفظ حرمت یکدیگر فرا می‌خواند. در منطق وحی، استقرار فضای اعتماد و کرامت در تعاملات اجتماعی، تنها در سایه مهار زبان، کنترل هیجانات و پایبندی به تقوا در قضاوت و نقل اخبار امکان‌پذیر است.

(أَنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ... (۱۱)... لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (۱۲) لَوْ لَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ (۱۳)... إِذْ تَلَقَوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ (۱۵) لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (۱۶)... وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (النور/۱۱-۲۱))

در ماجرای افک، قرآن پرده از حادثه‌ای اجتماعی برمی‌دارد که طی آن، گروهی از مسلمان‌نماها با تهمت ناروا، امنیت اخلاقی جامعه اسلامی را به خطر انداختند. خداوند از عاملان این فتنه به عنوان «عُصْبَةٌ مِنْكُمْ» یاد می‌کند که نشان می‌دهد فتنه‌انگیزان از درون جامعه بودند (نور: ۱۱). گرچه ظاهر ماجرا شر بود، اما در نهایت موجب پالایش جامعه و تمییز صفوف مؤمنان از منافقان شد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵/۱۰۵؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۷/۲۳۵). واژه‌ی «افک» ناظر به تحریف حقیقت است و در این آیات، ناظر به تهمت ناروا به فردی پاک‌دامن است. این اقدام،



شامل مجموعه‌ای از گناهان چون تهمت، آزار مؤمن، تضعیف جایگاه پیامبر و دروغ‌پراکنی است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰۶/۱۵). در آیات بعدی، بالحنی توبیخی از مؤمنان خواسته شده که چرا هنگام شنیدن شایعه، گمان نیک نداشتند و واکنش درستی نشان ندادند (نور: ۱۲؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۲۳۷/۷). همچنین، آیه ۱۳ به اصل ضرورت اقامه چهار شاهد برای اثبات اتهام‌های اخلاقی تصریح دارد و نبود آن، نشانه‌ی دروغ بودن ادعاست (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰۸/۱۵). آیه ۱۴، فضل الهی را عامل نجات جامعه از عذاب می‌داند؛ نعمتی که مانع سقوط اخلاقی عمومی شد. و در آیات پایانی (۱۵-۱۶) هشدار داده می‌شود که بازگو کردن سخن بدون علم، گرچه کوچک انگاشته شود، نزد خدا گناهی بزرگ است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۲۳۹/۷).

نتیجه اینکه این آیات، چهارچوبی برای حفاظت از تزکیه و سلامت اخلاقی جامعه ترسیم می‌کنند؛ با تأکید بر حسن ظن، رعایت برائت، پرهیز از شایعه‌سازی و لزوم مراقبت زبانی، که در مجموع، تزکیه را نه تنها فضیلتی فردی بلکه ضرورت اجتماعی برای حفظ وحدت و طهارت جمعی معرفی می‌کنند.

۱.۳. حفظ حریم شخصی دیگران

یکی از پایه‌های تعامل سالم در جامعه، رعایت حریم شخصی دیگران است. این اصل اخلاقی، افزون بر تقویت احترام متقابل، از تنش‌ها و مزاحمت‌های ناخواسته جلوگیری کرده و زمینه‌ساز اعتماد و آرامش در روابط اجتماعی می‌شود. (فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارجِعُوا فَارجِعُوا هُوَ أَزكى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ) (النور/ ۲۸)

این آیه با زبانی روشن و دستوری، یکی از اصول بنیادین اخلاق اجتماعی در اسلام را بیان می‌کند: لزوم رعایت حریم خصوصی دیگران و طلب اجازه برای ورود به خانه‌ها. ورود بدون اجازه، نه تنها حرام دانسته شده، بلکه حتی در صورت عدم حضور صاحب خانه یا مواجهه با پاسخ منفی، مکلف به بازگشت بی قید و شرط هستیم: «فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا... وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارجِعُوا فَارجِعُوا». تعبیر «هُوَ أَزكى لَكُمْ» نشان می‌دهد که رعایت این ادب، افزون بر آثار اجتماعی، موجب تزکیه و رشد اخلاقی افراد است. خداوند با تأکید بر علم خود به عملکرد انسان‌ها، در پایان آیه انگیزه‌ی معنوی و درونی رعایت این ادب را نیز یادآور می‌شود: «وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ».

این آموزه قرآنی، مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی را ترویج می‌کند: حرمت حریم شخصی، حق رد مهمان ناخوانده، ترک توقع بی جا، و پذیرش عذر دیگران بدون رنجش. چنین دستوراتی نه تنها به تنظیم روابط سالم میان افراد

جامعه می‌انجامد، بلکه جامعه را از تنش، سوءظن، و فشارهای روحی مصون می‌دارد و مسیر پاک‌زیستی اجتماعی را هموار می‌سازد (ر.ک: قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۷۰/۶). با توجه به آیه ۲۸ سوره نور، می‌توان یکی از راهکارهای اجتماعی تزکیه را در قالب رعایت حریم خصوصی و آداب معاشرت اجتماعی تحلیل کرد. این آیه با نهی صریح از ورود بدون اجازه به خانه دیگران، دستور به بازگشت در صورت عدم پذیرش، و تأکید بر «آزگی لکم» بودن این رفتار، بیانگر این حقیقت است که تزکیه، تنها یک امر فردی نیست، بلکه پیوندی عمیق با رفتارهای اجتماعی دارد.

رعایت حریم‌ها، نشان‌دهنده‌ی احترام به حقوق دیگران، فروتنی در تعاملات، ترک خودخواهی و توقع بی‌جا، و پذیرش اختیار و آزادی دیگران در تصمیم‌گیری است؛ و همه‌ی اینها از عوامل مؤثر در پالایش نفس از رذائل اخلاقی مانند تجسس، فضولی، استعلاء، و تحمیل خواسته‌هاست. خودداری از ورود بدون اذن و پذیرش پاسخ منفی با رضایت، تمرینی برای خویشتن‌داری، تواضع، و کنترل تمنیات نفسانی است که پایه‌ی تقوای اجتماعی و تزکیه‌ی جمعی را می‌سازد.

۱.۴. کنترل نگاه به عنوان مراقبت رفتاری در روابط اجتماعی

کنترل نگاه یکی از اصول مهم مراقبت رفتاری در روابط اجتماعی است که به حفظ احترام و عفت عمومی کمک می‌کند. در فرهنگ اسلامی، این موضوع نه تنها به عنوان یک دستور فردی، بلکه به عنوان یک راهکار اجتماعی برای جلوگیری از انحرافات اخلاقی و جنسی مطرح می‌شود. از این رو، کنترل نگاه به عنوان اقدامی پیشگیرانه در روابط میان افراد، موجب تقویت اخلاق اجتماعی، حفظ کرامت انسانی و ارتقاء سلامت روانی جامعه می‌شود.

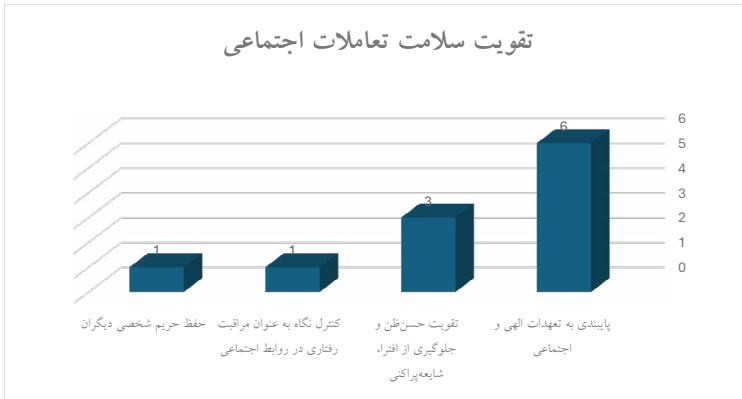
(قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا أَرْوَاحَهُمْ ذَلِكَ أَوْزَقُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ) (النور/۳۰)

در آیه ۳۰ سوره نور، خداوند به مردان مؤمن دستور می‌دهد که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و نگاه خود را پایین بیاورند. واژه «يَعْضُوا» از ریشه «غض» به معنای «پایین آوردن» است، که در اینجا به معنای پایین آوردن نگاه است، نه بسته شدن آن. بدین ترتیب، مراد از «غض بصر»، نگاه نکردن به نامحرم یا نگاه نکردن به طرز بی‌ادبانه و تحریک‌آمیز به افراد است. در تفسیر این آیه، به‌ویژه در شرح معنای «غض بصر»، گفته می‌شود که منظور این نیست که انسان باید چشم خود را کاملاً از دیدن دنیا و اطراف خود بردارد، بلکه باید نگاه خود را کنترل کند و از نگاه‌های بی‌هدف یا شهوانی به نامحرم اجتناب نماید (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۷۲/۶). روایات متعددی در مورد اهمیت حفظ نگاه وجود دارد. حضرت علی (علیه السلام)



در این باره می‌فرمایند: «لکم اول نظرة الی المرثة فلا تتبعوها بنظرة اخری و احذروا الفتنة» (قمی مشهدی، ۱۴۲۰: ۱۲/ ۱۲۳)، یعنی نگاه اول به فرد نامحرم مانعی ندارد، اما ادامه دادن به آن باعث ایجاد فتنه و گناه می‌شود. همچنین پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «النظر سهم مسموم من سهام ابلیس فمن ترکها خوفا من الله اعطاه الله ایمانا یجد حلاوة فی قلبه» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/ ۳۸)، که نگاه به نامحرم را تیر مسمومی از سوی شیطان می‌دانند که اگر انسان از ترس خدا از آن اجتناب کند، ایمان شیرینی در قلبش خواهد یافت.

حفظ نگاه، به‌ویژه از نگاه‌های هوس‌آلود، از راهکارهای بنیادین تزکیه اجتماعی در قرآن است که در آیات ۳ و ۳۱ سوره نور به صراحت به آن اشاره شده است. این دستور، مردان و زنان را به خودداری از نگاه به نامحرم و حفظ عفت فرامی‌خواند و بر ضرورت رعایت حجاب و حریم‌های فردی و اجتماعی تأکید دارد. چنین توصیه‌ای، نه تنها در پیشگیری از انحرافات اخلاقی مؤثر است، بلکه نقش مهمی در تقویت سلامت روانی، حفظ کرامت انسانی و ارتقای اخلاق اجتماعی ایفا می‌کند. ترویج فرهنگ حفظ نگاه، رعایت حریم‌های فردی و اجتماعی، و تأکید بر حجاب به عنوان اقدامی در راستای حفظ عفت عمومی از راهکارهای عملی قرآن برای تحقق تزکیه در جامعه است. نمودار زیر نمایانگر درجه اهمیت گزاره‌های مرتبط با تقویت سلامت تعاملات اجتماعی در چارچوب تحقق تزکیه در ساحت اجتماعی از منظر آیات قرآن کریم می‌باشد:



نمودار شماره ۱: تقویت سلامت تعاملات اجتماعی

پابندی به تعهدات الهی و اجتماعی به عنوان مهم‌ترین عامل در سلامت تعاملات اجتماعی نشان می‌دهد که رفتارهای پایدار، مسئولانه و متعهدانه زیربنای روابط سالم هستند. وقتی افراد به وظایف و قول‌های خود پایبند باشند، اعتماد و اطمینان بین آنها شکل می‌گیرد. این اعتماد، کلید ایجاد و حفظ ارتباطات پایدار و صمیمانه است.

از سوی دیگر، حسن ظن نقش بسیار مهمی در کاهش سوء تفاهم‌ها، جلوگیری از تهمت و افترا دارد. وقتی افراد به نیت و رفتار دیگران خوش بین باشند، فضای روانی مثبت‌تر و آرام‌تری ایجاد می‌شود که زمینه را برای تعاملات سازنده‌تر و احترام متقابل فراهم می‌کند.

بنابراین، این دو عامل یعنی پایبندی به تعهدات و حسن ظن، به عنوان ستون‌های اصلی سلامت روابط اجتماعی عمل می‌کنند و اهمیت بیشتری نسبت به سایر عوامل دارند چون پایه‌های اعتماد و تفاهم را شکل می‌دهند. اگرچه حفظ حریم شخصی و کنترل نگاه فراوانی کمتری دارند، ولی این‌ها نقش مکمل و پشتیبان را ایفا می‌کنند.

حفظ حریم شخصی دیگران به معنی احترام به فضای فردی و مرزهای شخصی است. وقتی افراد به حریم شخصی دیگران احترام بگذارند، احساس امنیت و آرامش بیشتری در روابط ایجاد می‌شود. این احترام مانع از ورود غیرمجاز به مسائل خصوصی می‌شود و از بروز تنش‌ها و ناراحتی‌های احتمالی جلوگیری می‌کند. کنترل نگاه هم از نظر فرهنگی و اجتماعی نشانه‌ای از رعایت اخلاق و ادب در روابط است. نگاه کردن بدون کنترل می‌تواند باعث سوء تفاهم، تحریک یا آسیب به رابطه شود، بنابراین مهار این رفتارهای ظریف نقش مهمی در حفظ حرمت و سلامت تعاملات دارد.

۲. هدایت‌گری اجتماعی و پرورش اخلاق جمعی: کارکردهای هدایت سازمان یافته در توسعه رفتارهای جامعه پسند و رشد اخلاقی

تزکیه اجتماعی تنها محدود به رشد فردی و بهبود اخلاق شخصی نیست، بلکه یک فرآیند جمعی است که در آن اخلاق و رفتارهای فردی به طور هم‌زمان به رشد و تعالی جامعه کمک می‌کند. هدایت‌گری اجتماعی و پرورش اخلاق جمعی نقش مهمی در این فرآیند دارند. از آنجا که تزکیه به معنای پاکسازی روح و هدایت انسان‌ها به سوی فطرت الهی است، در سطح اجتماعی نیز باید با تقویت اخلاق جمعی و ارزش‌های دینی، جامعه‌ای سالم و متعالی ایجاد شود. این فرآیند شامل هدایت فرد به سمت رفتارهای صحیح و پرهیز از انحرافات اجتماعی است، که در نهایت به تزکیه و رشد جمعی منتهی می‌شود. در این راستا، هدایت‌گری اجتماعی و پرورش اخلاق جمعی به عنوان ارکان اصلی تزکیه اجتماعی شناخته می‌شوند.

۲.۱. نقش راهنمای تربیتی در توسعه سرمایه اخلاقی و انسجام اجتماعی
رشد اخلاقی اجتماعی به طور عمده بستگی به وجود الگوهای صحیح و مربیان



اخلاقی دارد. در جوامع اسلامی، یکی از ارکان تزکیه اجتماعی، وجود مربیان صالح است که با تبیین ارزش‌های اخلاقی و دینی، افراد را در مسیر رشد اخلاقی هدایت کنند. در قرآن و سنت، به شدت بر اهمیت تربیت فردی و اجتماعی از طریق مربیان تأکید شده است، چرا که مربیان با توجه به آموزه‌های دینی و تجربیات عملی می‌توانند افراد را از انحرافات اخلاقی و اجتماعی بازدارند و آن‌ها را به سوی اصلاح و رشد سوق دهند. داشتن مربی برای رشد اخلاق اجتماعی، به‌ویژه در جوامعی که در

آن‌ها اخلاق فردی و جمعی در هم تنیده است، نقش کلیدی ایفا می‌کند.
 رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۲۹)... كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (البقره/ ۱۵۱)

در فرآیند تربیت انسان در قرآن، دو آیه‌ی کلیدی یعنی آیه ۱۲۹ و ۱۵۱ سوره بقره به‌طور خاص به نقش پیامبر و لزوم وجود مربی در مسیر رشد انسان اشاره دارند. این دو آیه اگرچه در ترتیب بیان عناصر تعلیم و تزکیه تفاوت دارند، اما مجموعاً ساختار تربیتی اسلام را به‌صورت دقیق ترسیم می‌کنند.

در آیه ۱۲۹ سوره بقره، حضرت ابراهیم (ع) در دعایی از خداوند می‌خواهد که در میان نسل او پیامبری برانگیزد که سه کار اساسی انجام دهد: تلاوت آیات الهی، تعلیم کتاب و حکمت، و تزکیه مردم. در این آیه، تعلیم مقدم بر تزکیه ذکر شده است: «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ» (بقره: ۱۲۹). مفسران گفته‌اند این ترتیب به‌خاطر آن است که در اینجا دعا مطرح است، و ابراهیم (ع) برای مردمی دعا می‌کند که هنوز پیامبری ندارند و در مرحله‌ی آغازین هدایت قرار دارند. در چنین شرایطی، نیاز به آموزش مقدم است تا مردم با معارف الهی آشنا شوند و پس از آن آمادگی برای تزکیه و تهذیب نفس پیدا کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۱۱/۱؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۲۳۳/۱). اما در آیه ۱۵۱ سوره بقره، که به پاسخ الهی به آن دعا اشاره دارد، ترتیب متفاوت است: «يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ». اینجا «تزکیه» پیش از «تعلیم» ذکر شده است. مفسران شیعه در تحلیل این تفاوت گفته‌اند که این تغییر ترتیب نشان‌دهنده اولویت واقعی تزکیه در تربیت دینی است، چرا که پاکسازی نفس و زدودن آلودگی‌های اخلاقی، زمینه‌ساز فهم صحیح آیات و حکمت الهی است. کسی که دل و جان‌ش آماده نشده باشد، نمی‌تواند پیام‌های الهی را آن‌گونه که باید درک کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۱۲/۱).



دوره چهارم
 شماره اول
 پیاپی: ۷
 بهار و تابستان
 ۱۴۰۴

از این دو آیه و تفاسیر مرتبط با آن می‌توان چنین برداشت کرد که در سیر تربیت الهی، «تزکیه» و «تعلیم» دو عنصر بنیادین‌اند که گاه یکی بر دیگری مقدم می‌شود، بسته به مرحله و وضعیت مخاطبان. اما هدف نهایی، ساختن انسان‌هایی متعالی است که هم از نظر اخلاقی و روحی رشد یافته باشند و هم از دانش و حکمت الهی بهره‌مند شده باشند.

تفسیرها همچنین به این نکته تأکید دارند که بعثت پیامبر از میان خود مردم، با زبان و فرهنگ آن‌ها، نعمتی بزرگ است؛ زیرا یک مربی آگاه و از درون جامعه، بهتر می‌تواند نیازهای اخلاقی، اعتقادی و اجتماعی مردم را درک کرده و برای رشد آن‌ها برنامه‌ریزی کند. در واقع، داشتن مربی آگاه و الهی، در مسیر خودسازی، امری ضروری است، چرا که بدون هدایت عملی، نه تزکیه پایدار است و نه تعلیم کارآمد. مربی الهی، چون پیامبر، کسی است که هم حامل وحی است و هم مجری حکمت و تهذیب، و این الگوی تربیتی تا قیامت، از طریق خلفای الهی و رهبران الهی استمرار دارد (قرآنی، ۱۳۸۸/۱: ۲۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۱۱/۱-۵۱۳؛ طبرسی، ۱۴۳۱: ۱۱۷/۲).

بر اساس آیات ۱۲۹ و ۱۵۱ سوره بقره و تفسیر مفسران شیعه، روشن می‌شود که تزکیه و رشد انسان بدون راهبری یک مربی الهی و معصوم ناقص و آسیب‌پذیر است. خداوند برای هدایت بشر، تنها به نزول آیات اکتفا نکرد، بلکه پیامبری فرستاد که وظیفه‌ی تلاوت، تعلیم و تزکیه را هم‌زمان به عهده دارد. تفاوت ترتیب «تعلیم» و «تزکیه» در این آیات، نشان‌دهنده‌ی انعطاف مسیر تربیت بر اساس شرایط مخاطب است، اما در هر دو صورت، محور هدایت، وجود رسول الهی است. تربیت واقعی، تنها از مسیر آموزش نظری نمی‌گذرد، بلکه نیازمند ارتباط مستقیم با مربی‌ای الهی است که دل‌ها را پالایش و فضیلت‌ها را نهادینه کند.

۲.۲. تقویت روحیه خضوع و فروتنی برای رفع خودستایی

از جمله موانع مهم در مسیر تزکیه‌ی فردی و به تبع آن، تزکیه‌ی اجتماعی، روحیه‌ی خودبزرگ‌بینی و خودستایی است؛ حالتی که انسان را از درک نیاز به رشد معنوی و اصلاح درونی بازمی‌دارد و موجب می‌شود فرد، خود را بی‌نیاز از تزکیه بداند. این خودبستگی کاذب، نه تنها مانعی در برابر رشد فردی است، بلکه در سطح جامعه نیز فضایی از غرور، تکبر و گسست اخلاقی پدید می‌آورد. قرآن کریم با نفی این روحیه و هشدار نسبت به خطر آن، تأکید می‌کند که تزکیه‌ی واقعی تنها در پرتو اراده و فضل الهی حاصل می‌شود، نه با ستایش نفس و تبرئه‌ی خود. آیه‌ی زیر در همین راستا، نقدی صریح بر خودستایی و دعوتی ضمنی به خضوع در برابر خداوند و فروتنی در برابر حقیقت است:



﴿الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾ (النساء/۴۹)
قرآن کریم در این آیه به یکی از موانع مهم رشد معنوی و اصلاح اجتماعی اشاره می‌کند:
خودستایی و پاک‌نمایی خویش. افرادی که گرفتار این حالت‌اند، خود را بی‌عیب،
ممتاز و برتر از دیگران می‌دانند. این نگرش برخاسته از نوعی عُجب و احساس
بی‌نیازی دروغین است و باعث می‌شود که انسان نه تنها از اصلاح خود بازماند،
بلکه در مسیر اصلاح دیگران هم مانع ایجاد کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۱۵/۳).
اگر انسان بر فضیلت‌های خود تکیه کند و آن‌ها را دلیل برتری بداند، در واقع نوعی
خودبسندگی و بی‌نیازی از خدا برای خود قائل شده است؛ و این معنا، شبیه ادعای
الوهیت و شرک با خداست. چرا که آنچه انسان دارد، چه در درون جان‌ش و چه در
زندگی بیرونی‌اش، همه و همه، ملک خالص خداوند است و انسان در آن‌ها استقلالی
ندارد. روحیه خودستایی برخاسته از عُجب است؛ و عجب یکی از ریشه‌های اصلی
رذایل اخلاقی است. این حالت باعث می‌شود انسان خود را شایسته ستایش بداند.
این خودپسندی به مرور به تکبر می‌انجامد؛ یعنی فرد خود را بالاتر از دیگران می‌بیند،
و دیگران را کوچک و بی‌ارزش می‌شمارد. چنین فردی به راحتی مرتکب ظلم، تجاوز
به حقوق مردم، و هتک حرمت‌های الهی می‌شود. از سویی اگر این رذیله از حالت
فردی خارج شود و در جامعه رواج یابد، به سقوط اخلاقی جمعی و فساد گسترده در
زمین منجر می‌گردد؛ همان‌گونه که در جامعه یهود اتفاق افتاد (طباطبایی، ۱۳۷۴:
۵۹۳/۴-۵۹۴). برخی اقوام مانند یهود و نصاری در زمان پیامبر، خود را برگزیدگان
خدا می‌پنداشتند و می‌گفتند: ﴿لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً﴾ (بقره: ۸۰) یا ﴿نَحْنُ
أَبْنَاؤُ اللَّهِ وَ أَحِبَّاؤُهُ﴾ (مائده: ۱۸)، اما قرآن این برتری‌طلبی‌های بی‌اساس را رد کرده و
آن را نوعی دروغ بستن به خدا دانسته است: ﴿انظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ
كَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا﴾ (النساء/۵۰) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۱۵/۳).

این روحیه خودبرترینی، در طول تاریخ ریشه بسیاری از اختلافات، استعمارها،
جنگ‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی بوده است. حتی در میان ملت‌های با
امکانات پایین، گاه چنین تصویری پدید می‌آید که نژاد یا قبیله آن‌ها از دیگران
برتر است. در عصر حاضر نیز، همین روحیه در اشکالی چون نژادپرستی یا
قوم‌گرایی نمود یافته و نتایج ویرانگری به همراه داشته است (همان). از سوی
دیگر، این خودستایی انسان را از دیدن ضعف‌ها و کاستی‌هایش بازمی‌دارد و او را
به جای اصلاح، به توجیه خطاها سوق می‌دهد. چنین فردی همواره در حال دفاع
از خویش است و خود را بی‌نیاز از هدایت می‌پندارد؛ در حالی که پایه اصلی تزکیه،
احساس نیاز، تضرع و فروتنی در برابر حق است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۸۱/۲).

در مجموع، از نگاه قرآن و مفسران، استغنائی دروغین، عجب، و خودستایی از بزرگ‌ترین موانع تزکیه و اصلاح فردی و اجتماعی است. چون انسان مغرور، نیازی به تغییر در خود نمی‌بیند، به نقد تن نمی‌دهد، و دیگران را فروتر می‌پندارد. چنین انسانی نه تنها خود را رشد نمی‌دهد، بلکه مسیر تعالی جمعی را نیز مسدود می‌کند. امام علی علیه السلام در خطبه همام، ویژگی‌هایی را برای افراد متقی و پرهیزکار بر می‌شمارد. ایشان بیان می‌کنند که این افراد نه تنها از اعمال اندک خود راضی نیستند، بلکه هرگز اعمال زیادی که انجام داده‌اند را بزرگ نمی‌شمارند. آن‌ها همیشه خود را در برابر انجام وظایفشان متهم می‌دانند و از اعمال خود ترس دارند. در مواجهه با ستایش دیگران، احساس نگرانی می‌کنند و از خداوند می‌خواهند که از ستایش‌هایی که دیگران از آن‌ها می‌کنند، آن‌ها را مؤاخذه نکند و آن‌ها را از خطاهایی که مردم از آن بی‌خبرند، ببخشد. این ویژگی‌ها نشان‌دهنده تواضع و خودانتقادی عمیق افراد متقی است که از غرور و خودستایی دوری می‌کنند (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

(الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبَارَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى) (النجم/۳۲)

در آیه ۳۲ سوره نجم، خداوند با نهی صریح از خودستایی می‌فرماید: «فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى»؛ یعنی خود را پاک و برتر بدانید، چرا که تنها خداوند است که از حقیقت تقوای بندگان آگاه است. این فرمان حتی شامل کسانی می‌شود که از گناهان بزرگ و فواحش دوری می‌کنند، زیرا آگاهی خداوند از انسان، از همان آغاز آفرینش و حتی دوران جنینی، نشانه‌ی احاطه‌ی کامل او بر نیت‌ها و باطن انسان‌هاست. این یادآوری، مقدمه‌ای برای فروتنی است؛ چرا که انسان اگر ضعف و ذلت وجودی خود را در گذشته به خاطر آورد، از غرور و خودبرتربینی دور می‌ماند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۹/۱۹؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۳۳۰/۹). این بیان الهی نشان می‌دهد ملاک واقعی تقوا و رشد معنوی، نه ادعای ظاهری، بلکه باطن پاک نزد خداوند است. خداوند در ادامه، با یادآوری منشأ خاکی انسان و آگاهی‌اش از مراحل خلقت، این نکته را گوشزد می‌کند که «فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ»؛ چرا که چنین خودستایی‌ای، در برابر علمی چنین فراگیر، بی‌جا و بی‌معناست. انسان وقتی بداند وجودش از خاک است و آفریدگارش از همه چیزش باخبر، به خود اجازه نمی‌دهد به سبب عبادات یا اعمالش بر دیگران فخر بفروشد (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۳۹/۲۲).



از دیدگاه اخلاقی نیز، خودستایی امری ناپسند و زشت شمرده شده است؛ چنان که در کلامی حکیمانه آمده: «تَرْكِيَّةُ الْمَرْءِ نَفْسَهُ قَبِيحَةٌ». سرچشمه‌ی این پندار ناپسند، نشناختن حقیقت نفس، غفلت از مسئولیت‌ها و ناچیز شمردن ضعف‌ها در برابر عظمت خداوند است. انسان خودبین از اصلاح و رشد باز می‌ماند، چون کمال، در اعتراف به نقص و کوشش برای تعالی است. از همین رو، اولیای الهی همیشه از خودستایی پرهیز داشته‌اند و دیگران را از آن نهی کرده‌اند. در حدیثی آمده: «لَا يَفْتَخِرُ أَحَدُكُمْ بِكَثْرَةِ صَلَاتِهِ وَصِيَامِهِ وَزَكَاتِهِ وَنَسَكِهِ، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَعْلَمُ بِمَنْ أَتَى» (حویزی، ۱۴۱۲: ۵/۱۶۵؛ ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۲/۵۴۴).

با این حال، گاهی شرایطی پیش می‌آید که معرفی ویژگی‌های مثبت، برای دفاع از حقیقت و رفع باطل ضروری می‌شود. مانند سخنان حضرت یوسف علیه‌السلام: «إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف/۵۵) یا گفتار حضرت هود علیه‌السلام: «أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ» (الأعراف/۶۸). همچنین خطبه‌ی امام سجاد علیه‌السلام در مسجد شام نیز نمونه‌ای از این نوع معرفی صادقانه برای مقابله با تحریف است. این موارد، برخاسته از ضرورت‌اند و تفاوت آشکاری با تزکیه‌ی نفس و خودستایی دارند (همان: ۵۴۴). امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در یکی از نامه‌هایی که برای معاویه نوشته، و مسائل بسیار مهمی را در آن یاد آوری کرده، می‌فرماید: «اگر نه این بود که خداوند نهی کرده که انسان خویشتن را بستاید فضایل فراوانی را بر می‌شمردم که دل‌های آگاه مؤمنان با آن آشناست و گوش‌های شنوندگان از شنیدن آنها تحاشی ندارد.» (منظور از گوینده خود امام علیه‌السلام است) (نهج البلاغه/ نامه ۲۸).

تقویت روحیه خضوع و فروتنی در سطح اجتماعی از طریق تأکید بر علم مطلق خداوند و نهی از خودستایی، یکی از راهکارهای اساسی برای ایجاد سلامت و وحدت در جامعه ایمانی است. قرآن به طور مکرر بر این حقیقت تأکید دارد که تنها خداوند از حقیقت تقوای افراد آگاه است، و هیچ‌کس نباید خود را برتر از دیگران بداند. این آموزه نه تنها برای فرد بلکه برای جامعه نیز مهم است؛ زیرا خودستایی می‌تواند منجر به تفرقه و ایجاد احساسات منفی بین افراد جامعه شود. از سوی دیگر، غفلت از فقر وجودی انسان و مسئولیت‌های فردی در برابر خداوند، ریشه‌ی خودبرتربینی است. در سطح اجتماعی، پذیرش نقص و کاستی‌های فردی، عامل همبستگی و انسجام بیشتر جامعه می‌شود. در این راستا، قرآن و آموزه‌های دینی بستری فراهم می‌آورد که انسان‌ها را به پذیرش محدودیت‌های خود و پرهیز از تکبر و خودستایی هدایت کند، و از این طریق، فضایی برای رشد جمعی و تقویت روابط انسانی سالم و متعادل در جامعه ایمانی ایجاد می‌شود.

۲.۳. مهار ریشه‌های طغیان و استغنا برای مهار شرک، ظلم و فساد

مهار ریشه‌های طغیان و استغنا، به عنوان عوامل اصلی پیدایش شرک، ظلم و فساد، از مهم‌ترین راهکارهای تزکیه اجتماعی است. پیام‌آوران الهی با دعوت به پاکی درونی و بازگشت به فطرت الهی، ابتدا بستر اصلاح فردی را فراهم می‌کنند تا زمینه اصلاح اجتماعی شکل گیرد. این فرآیند تزکیه، موجب تقویت معرفت و خشیت الهی در انسان شده و او را از مسیر استغنا و خودبرتربینی باز می‌دارد. به این ترتیب، اصلاح درون، پایه‌ای استوار برای تحقق عدالت، پرهیز از ظلم و نابودی شرک در جامعه فراهم می‌آورد.

(أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (۱۷) فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ (۱۸) وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ (۱۹) فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ (۲۰) فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ (۲۱) ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَىٰ (۲۲) فَحَشَرَ فَنَادَىٰ (۲۳) فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ (۲۴)) (النازعات/۱۷-۲۴)

در فرآیند هدایت‌گری پیام‌آوران الهی، نخستین گام، رویارویی با طغیان و استغنا است که زمینه‌ساز شرک، ظلم و فساد به شمار می‌رود. مأموریت حضرت موسی در برابر فرعون با تأکید بر طغیان او آغاز می‌شود که نشان‌دهنده اهمیت مبارزه با طغیان‌نگران در رسالت انبیاء است. دعوت موسی علیه السلام به گونه‌ای نرم و خیرخواهانه مطرح می‌گردد: «آیا می‌خواهی پاک شوی؟»؛ این دعوت، فراخوانی داوطلبانه به بازگشت به فطرت و پاکی درونی است که شامل تزکیه از شرک و کفر و همچنین ظلم و فساد رفتاری می‌شود. در این مسیر، پاک شدن پیش‌نیاز هدایتی است که به شناخت ربوبیت و در نهایت خشیت منجر می‌شود.

این سیر تربیتی ابتدا از نفوذ عاطفی آغاز می‌شود و پس از آن با ارائه معجزه بزرگ یا آیت کبری، عقل مخاطب نیز به چالش کشیده می‌شود. این ترکیب محبت و دلیل، روشی اثربخش در تبلیغ و هدایت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۶/۹۱-۹۰). از سوی دیگر، واکنش فرعون نمایانگر مراحل سقوط اخلاقی است: ابتدا تکذیب دعوت، سپس عصیان، و نهایتاً مقابله گسترده با پیام حق با ادعای «من پروردگار برتر شما هستم» که نمادی از شرک سیاسی و خودبرتربینی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۶/۹۲-۹۴). این نشان می‌دهد که استغنا و طغیان می‌تواند انسان را به جایگاه خدافروشی برساند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۰/۳۵). بنابراین، در فرآیند هدایت اجتماعی، پیامبران الهی نخستین هدف خود را مهار طغیان و استغنا قرار می‌دهند که زمینه‌ساز اصلاح شرک، ظلم و فساد است. دعوت به تزکیه، سپس معرفت به ربوبیت و نهایتاً ایجاد خشیت الهی، چارچوب اصلاح اخلاقی و اجتماعی را تشکیل می‌دهد و به طور واضح پیامدهای عدم پذیرش دعوت را که همان سقوط به فساد و شرک است، متذکر می‌شود (ر.ک: همان).

(عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ (۱) أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ (۲) وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكَّىٰ (۳) أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ



الذِّكْرَى (۴) أَمَّا مَنْ اسْتَعْنَى (۵) فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى (۶) وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى (۷) (عبس ۷-۷)

یکی از عوامل بنیادی در بروز شرک، ظلم و فساد، طغیان و استغنائی نفس است که منشأ آن غرور و خودبینی نسبت به دیگران به ویژه نیازمندان و ضعفا است. در این زمینه، عتاب شدید به کسانی وارد شده است که به جای توجه به حق جویان و محرومان، به ثروتمندان و اهل دنیا روی می آورند و آنان را محترم می شمارند، در حالی که اهل آخرت را خوار می شمزند. چنین نگرشی بیانگر آن است که غرور و استغنا موجب می شود انسان در برابر حق و عدالت کور شود و از راه تزکیه و اصلاح خود بازماند. هدایت گر جامعه باید بداند که وظیفه اصلی او تنها ابلاغ پیام و دعوت به تزکیه و تقواست و نباید به دلیل بی اعتنائی و گردن کشی ثروتمندان مایوس شود. همچنین نباید حق طلبان و جویندگان حقیقت را به دلیل ظاهر یا شرایط ظاهری از توجه خود بازدارد، زیرا ممکن است همین افراد، هرچند ضعیف یا نابینا به نظر برسند، در مسیر تزکیه و تقوی باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۶/۱۲۸-۱۳۰). از سوی دیگر، تأکید شده است که نباید به افراد مستغنی که گرفتار غرور و خودکفایی کاذب اند بیش از حد توجه کرد، چرا که این استغنا منشاء طغیان و گردن کشی انسان است. در مقابل، کسانی که با خشیت الهی به دنبال هدایت و تزکیه نفس هستند و به رغم ضعف ها و کمبودهای ظاهری، در جستجوی پاکی و ایمان می باشند، باید مورد توجه ویژه قرار گیرند و نباید از آنان غفلت ورزید یا رو برگرداند. این رویکرد، راهکاری مهم در پرورش اخلاق و هدایت اجتماعی به شمار می آید که می تواند ریشه های ظلم و فساد را مهار کند و زمینه ساز اصلاح فردی و اجتماعی شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۰/۳۲۵).

طغیان و استغنا از عوامل اصلی فساد فردی و اجتماعی اند که مانع تحقق تزکیه می شوند. طغیان، ناشی از غرور و تجاوز به حدود الهی است و استغنا، احساس بی نیازی کاذب از خدا و دیگران را در پی دارد. این دو صفت، انسان را از مسیر تقوا دور کرده و بستر ظلم و تبعیض را فراهم می کنند. تحقق تزکیه اجتماعی مستلزم مقابله با این صفات و تقویت فروتنی، خشیت الهی و روحیه همدلی و عدالت است؛ چرا که بدون مهار آن ها، اصلاح اخلاقی و اجتماعی پایدار ممکن نخواهد بود.

۲.۴. تقویت سواد دینی به مثابه سازوکاری برای مقابله با آتومی اجتماعی: تحلیل جامعه شناختی و راهبردهای سیاستگذاری

در مسیر تحقق تزکیه اجتماعی، یکی از موانع پنهان اما تأثیرگذار، نفوذ تدریجی انحرافات اخلاقی و رفتاری در بستر جامعه است. قرآن کریم برای ساخت جامعه ای پاک، تنها به نهی صریح از منکرات اکتفا نمی کند، بلکه با نگاهی دقیق و پیشگیرانه، نسبت به مراحل پنهان شکل گیری فساد نیز هشدار می دهد. این مراحل که گاه با جلوه ای عادی، فریبنده و غیرقابل تشخیص ظاهر می شوند، همان «خَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ» اند که زمینه ساز انحراف نرم و تدریجی در باورها و

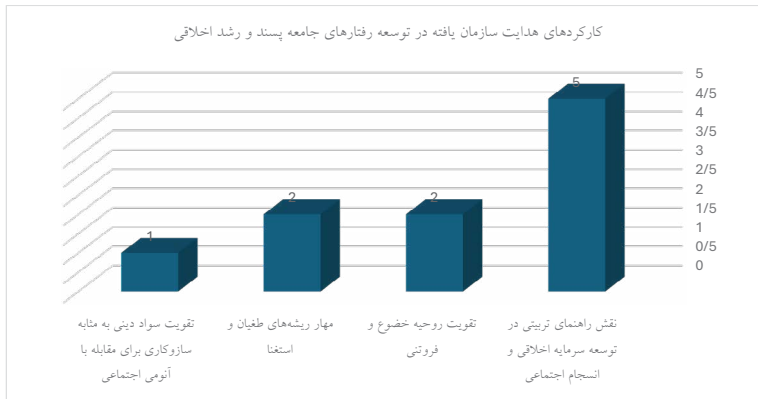
رفتارهایی جمعی می‌گردند. خداوند متعال در آیه ۲۱ سوره نور می‌فرماید:
(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) (النور/۲۱)

تعبیر «خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ» که به معنای گام‌های شیطان است، بر روند تدریجی گمراهی دلالت دارد؛ روندی که با وسوسه‌های نرم و نامحسوس آغاز شده و به مرور، انسان و جامعه را از مسیر فطری و ایمانی دور می‌سازد. در تفاسیر اسلامی، این گام‌های تدریجی شامل مواردی چون رفاقت با اهل گناه، بی‌تفاوتی نسبت به گناهان کوچک، حضور در محیط‌های آلوده و سهل‌انگاری در رعایت مرزهای شرعی شمرده شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴/۴۱۲). این انحرافات، با جلوه‌هایی موجه و جذاب، انسان را تدریجاً به منکرات علنی می‌کشاند. شیطان برای گمراه‌سازی، گام به گام پیش می‌رود و اگر در یک مرحله موفق نشود، به سراغ گام بعدی می‌رود؛ ابتدا نیت‌ها را آلوده می‌کند، سپس به سهل‌انگاری در گناهان کوچک و بعد گناهان بزرگ می‌کشاند (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۶۰/۶). در همین آیه، خداوند هشدار می‌دهد که اگر فضل و رحمت او نبود، هیچ‌کس پاک نمی‌گردید: «وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا...». در تبیین این فراز آمده است که تزکیه‌ی حقیقی تنها در پرتو فضل الهی تحقق می‌یابد؛ زیرا تنها خداوند است که از باطن انسان‌ها آگاه است و می‌داند چه کسی شایستگی تزکیه را دارد. منظور از فضل الهی در این زمینه، فراهم‌سازی اسباب ترک گناه، پاک‌سازی درون، و الهام خیر است که تنها بر اساس مشیت و علم الهی به شایستگی بندگان محقق می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵/۱۳۴).

از منظر جامعه‌شناسی، این فرایند انحراف تدریجی در رفتار و ارزش‌ها، شباهت نزدیکی به مفهوم آنومی اجتماعی دارد. دورکیم، آنومی را وضعیتی از بی‌هنجاری می‌داند که در اثر تحول سریع ارزش‌ها، فقدان مرجع اخلاقی و عدم انسجام میان هنجارهای اجتماعی پدید می‌آید. به گفته او، در چنین وضعی، فرد دچار سردرگمی اخلاقی شده و تعادل روانی و رفتاری‌اش را از دست می‌دهد (دورکیم، به نقل از فیروزجائیان و هاشمی، ۱۳۹۵). مک‌ایور نیز آنومی را حالتی از ذهن انسان توصیف می‌کند که در آن، شخص خود را بی‌نیاز از تبعیت از هنجارهای اجتماعی می‌بیند و صرفاً به تمایلات فردی خود توجه می‌کند (یاراحمدی خراسانی، ۱۳۹۴). در چنین شرایطی، تقویت سواد دینی نقش کلیدی در مقابله با این فروپاشی هنجاری ایفا می‌کند. سواد دینی، در این معنا، صرفاً به معنای دانستن گزاره‌های دینی نیست، بلکه شامل درک عمیق، تحلیل زمینه‌ای و کاربردی عملی آموزه‌های وحیانی در مواجهه با بحران‌های اجتماعی است. این نوع بصیرت دینی، به‌ویژه در نسل



جوان، عامل بازدارنده‌ای در برابر وسوسه‌های تدریجی شیطان است و آنان را نسبت به نشانه‌های انحراف و زنگ خطرهای اخلاقی هوشیار می‌سازد. چنان‌که یادآوری علم و آگاهی مطلق الهی در پایان آیه. با توصیف خداوند به «سمیع» و «علیم». نقش بازدارنده‌ای در برابر انحراف ایفا کرده و با تقویت روحیه‌ی حیا و خضوع، زمینه‌ی مراقبت درونی را در انسان افزایش می‌دهد (قرآنی، ۱۳۸۸: ۱۶/۶). بنابراین، می‌توان گفت که قرآن با هشدار نسبت به خطر انحراف نرم، نقش محوری هدایت، بصیرت دینی و توفیقات الهی را در پیشگیری از سقوط اخلاقی و اجتماعی تبیین می‌کند. این تحلیل، با تلفیق مفاهیم جامعه‌شناسی و معارف قرآنی، الگویی میان‌رشته‌ای از تزکیه اجتماعی ارائه می‌دهد که در آن، سواد دینی ساخت یافته و ایمانی ژرف، سدی مؤثر در برابر گسترش آنومی و فروپاشی اخلاقی جامعه است. نمودار حاضر نشان می‌دهد که در فرآیند تحقق تزکیه در ساحت اجتماعی، کارکردهای هدایت سازمان یافته در سه سطح قابل تحلیل اند: نخست، سطح ساختاری که در آن نقش راهنمای تربیتی و نظام‌های هدایت‌گر به‌عنوان بستر اصلی رشد اخلاقی و انسجام جمعی برجسته است؛ دوم، سطح روانی-رفتاری که بر اصلاح منش‌های درونی افراد از طریق تقویت روحیه فروتنی، خویش‌داری و پرهیز از استغنا تمرکز دارد و زمینه‌ساز تعاملات سالم در جامعه می‌شود؛ و سوم، سطح دانشی و فرهنگی که با ارتقای سواد دینی، پایداری هنجارهای اجتماعی را تضمین کرده و جامعه را در برابر انحراف و آنومی مصون می‌سازد:



نمودار شماره ۲: کارکردهای هدایت سازمان یافته در توسعه رفتارهای جامعه پسند و رشد اخلاقی

این نمودار نمایانگر میزان تأکید آیات قرآن کریم بر مؤلفه‌های مختلف «هدایت سازمان یافته» در فرآیند توسعه رفتارهای جامعه پسند و رشد اخلاقی در بستر

اجتماع است. بر اساس یافته‌ها، می‌توان تحلیل زیر را در راستای هدف کلان مقاله - یعنی تحقق تزکیه در ساحت اجتماع - ارائه داد:

بالاترین فراوانی مربوط به گزاره‌ی «نقش راهنمای تربیتی در توسعه سرمایه اخلاقی و انسجام اجتماعی» است که نشان از جایگاه محوری نهاد هدایت و ارشاد در نهادینه‌سازی اخلاق جمعی دارد. راهبران تربیتی، اعم از معلمان اخلاق، مصلحان دینی و نظام‌های فرهنگی، عامل انتقال ارزش‌ها و تقویت روح تزکیه در میان اعضای جامعه‌اند. از منظر اجتماعی، تزکیه بدون هدایت نظام‌مند و پیوسته نمی‌تواند به صورت فراگیر و مؤثر در جامعه محقق شود.

دو گزاره‌ی دیگر که هرکدام دارای فراوانی ۲ هستند، یعنی «تقویت روحیه خضوع و فروتنی برای رفع خودستایی» و «مهار ریشه‌های طغیان و استغنا برای مهار شرک، ظلم و فساد»، بر اصلاح درونی افراد برای جلوگیری از بروز رفتارهای ضد اجتماعی تأکید دارند. از منظر قرآنی، خودبینی و استغنا زمینه‌ساز فساد، ظلم و شرک در روابط اجتماعی است. در مقابل، فروتنی و خویش‌داری، روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری، مشارکت، و رفتار متواضعانه را در جامعه تقویت می‌کنند که از مقدمات ضروری تحقق تزکیه‌ی اجتماعی به‌شمار می‌آید.

هرچند گزاره‌ی «تقویت سواد دینی به مثابه سازوکاری برای مقابله با آنومی اجتماعی» تنها با یک فراوانی ظاهر شده، اما جایگاه محتوایی آن در تحلیل‌های راهبردی کاملاً برجسته است. آنومی، که به معنای فقدان هنجارهای پایدار در یک جامعه است، تهدیدی جدی برای ساختار اجتماعی اخلاق محور محسوب می‌شود. ارتقای سواد دینی، موجب درک عمیق‌تر از ارزش‌ها و هنجارهای الهی شده و افراد را در برابر بحران‌های هنجاری مصون می‌سازد. از این رو، این عامل گرچه کمتر تکرار شده، اما در سطح کلان سیاست‌گذاری تزکیه محور، نقشی بنیادین دارد.

۳. گسترش روحیه انفاق و بخشش برای رفع بخل و دنیاطلبی

یکی از بسترهای اساسی در فرآیند تزکیه اجتماعی، اصلاح نگرش افراد نسبت به مال و ثروت و ایجاد روحیه‌ای برخاسته از سخاوت و ایثار در مناسبات اجتماعی است. جامعه‌ای که افراد آن به مال خود تعلق افراطی دارند و انفاق را نوعی خسارت تلقی می‌کنند، دیر یا زود گرفتار انزوای اخلاقی و فروپاشی پیوندهای انسانی می‌شود. در مقابل، آموزه‌های دینی بر آن‌اند که روحیه انفاق را در دل‌ها تقویت کرده و انسان را از بند بخل، حرص و دنیاپرستی برهانند. این نوع انفاق نه تنها به عنوان عملی فردی، بلکه به مثابه حرکتی تربیتی و اجتماعی، ظرفیت آن را دارد که هم دل انسان



را از آلودگی های درونی بزداید و هم جامعه را از بیماری های اخلاقی مصون سازد. در چنین چارچوبی، گسترش فرهنگ انفاق یکی از راهبردهای کلیدی در ساختن جامعه‌ای متعادل، همدل و متقوا محور به شمار می‌رود که در آن، مال وسیله‌ای برای رشد انسان است، نه مانعی در مسیر تعالی او.

(خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) (التوبه/۱۰۳)

این آیه در ابتدا به پیامبر اسلام دستور می‌دهد که زکات را از اموال مردم بگیرد تا از این طریق نه تنها مال افراد را پاک و طاهر کند، بلکه موجب رشد اخلاقی و معنوی آن‌ها نیز شود. از این رو، این آیه می‌تواند در تحلیل تزکیه اجتماعی و ابعاد مختلف آن مورد استفاده قرار گیرد.

آیه به طور همزمان به دو واژه «تطهیر» و «تزکیه» اشاره می‌کند که هرکدام معانی خاص خود را دارند. واژه «تطهیر» به معنای زدودن آلودگی‌ها از چیزی است که می‌خواهد پاک و خالص شود. در تفسیر المیزان آمده است که تطهیر به معنای پاک‌سازی از «چرک و کثافت» است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۱۳/۹). این تطهیر نه تنها جنبه فردی دارد، بلکه به طور اجتماعی نیز به معنای پاک‌سازی افراد از ویژگی‌های منفی همچون بخل، حرص، و دل‌بستگی‌های دنیوی است که می‌تواند به تهدیدهایی برای جامعه منجر شود. اما واژه «تزکیه» به معنای «رشد دادن» یا «پرورش» چیزی است که از آلودگی‌ها پاک شده است. این واژه در این آیه به معنای رشد و شکوفایی اخلاقی و اجتماعی است. در تفسیر نور نیز آمده که «تزکیه موجب فراتر از تطهیر است و به رشد و ارتقاء فردی و اجتماعی فرد و جامعه اشاره دارد. به عبارت دیگر، تزکیه اجتماعی از طریق اعمالی مانند پرداخت زکات می‌تواند به تقویت ویژگی‌های مثبت در جامعه منجر شود و افراد را از رذایل اخلاقی دور سازد. آیه ۱۰۳ سوره توبه، اصول بنیادین تزکیه اجتماعی را تبیین می‌کند و به روشنی نشان می‌دهد که تطهیر و تزکیه، مفاهیمی صرفاً فردی نیستند، بلکه از جایگاهی اجتماعی نیز برخوردارند. در این آیه، فرمان الهی به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای دریافت صدقه از اموال مردم، با دو هدف اصلی همراه شده است: «تُطَهِّرُهُمْ» یعنی پاک‌سازی درونی از آلودگی‌هایی همچون بخل، دنیاطلبی و تعلقات مادی، و «تُزَكِّيهِمْ» به معنای رشد و شکوفایی شخصیت ایمانی و اجتماعی آنان (توبه: ۱۰۳).

بر اساس تحلیل مفسران، استفاده همزمان از دو واژه تطهیر و تزکیه، نه از باب تأکید لفظی، بلکه ناظر به دو کارکرد مکمل در فرآیند تزکیه اجتماعی است؛ تطهیر

به مثابه برطرف ساختن موانع و آلودگی‌ها، و تزکیه به منزله رشد و بالندگی فضائل در بستر پاکی (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۱۳/۹). در ادامه آیه، به نقش صلوات و دعای پیامبر برای زکات دهندگان اشاره شده و آمده است: «وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ»، یعنی دعای پیامبر برای آنان مایه آرامش، اعتماد و اطمینان قلبی است. این آرامش، نه تنها در سطح فردی، بلکه در روابط اجتماعی و پیوندهای اخلاقی جامعه نیز بازتاب می‌یابد. نکته قابل توجه آن است که این دعا و صلوات منحصر در زمان حیات پیامبر نیست، بلکه به دلیل پیوستگی معنوی بین امت و رسول خدا صلی الله علیه و آله، دعای ایشان در هر عصری شامل حال زکات دهندگان خواهد بود؛ چنان که برخی از مفسران از تعبیر «سَكَنٌ لَهُمْ» نوعی استمرار در تأثیر این صلوات را برداشت کرده‌اند (ر.ک: قرائتی، ۱۳۸۸: ۴۹۷/۳).

بدین ترتیب، این آیه با ترسیم رابطه‌ای معنوی و اجتماعی میان حاکم دینی و مردم، تأکید می‌کند که زکات نه فقط ابزاری مالی، بلکه راهکاری مؤثر در تحقق عدالت اجتماعی، تقویت همبستگی دینی، و زمینه‌ساز رشد اخلاقی و طهارت جمعی در جامعه اسلامی است.

(الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى) (۱۸) وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى (۱۹) إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى (۲۰) وَلَسَوْفَ يَرْضَى (۲۱) (اللیل/۱۸-۲۱)

آیه‌ی شریفه‌ی «الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى» (لیل/۱۸)، تصویری روشن از پیوند عمیق میان تقوا و تزکیه ارائه می‌دهد. در این آیه، فرد با تقوا کسی معرفی می‌شود که با نیتی خالص، اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کند تا از رهگذر این عمل، به پالایش درون، تهذیب نفس و رشد معنوی دست یابد. این انفاق برخاسته از هیچ‌گونه بدهی عاطفی یا مادی به دیگران نیست، چنان‌که آیه بعد می‌فرماید: «وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى»؛ یعنی این عمل نه پاسخی به احسانی پیشین و نه جبرانی در برابر نعمتی از دیگران است. بلکه صرفاً برای طلب رضایت پروردگار صورت می‌گیرد: «ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى». در نهایت نیز چنین انسانی به پاداشی عظیم و پایدار از سوی خداوند دست می‌یابد: «وَلَسَوْفَ يَرْضَى»؛ این پاداش، رضایت خداوند است که خود نشانه‌ای از وصول به غایت تقوا و تزکیه حقیقی است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۱۷/۲۰).

مفهوم «یَتَزَكَّى» در این آیه، دو بُعد هم‌زمان را دربرمی‌گیرد: یکی رشد و بالندگی معنوی و اخلاقی، و دیگری پاک‌سازی اموال از وابستگی‌های مادی و تعلقات دنیوی. بر این اساس، انفاق برخاسته از نیت الهی نه تنها ابزاری برای رهایی از حب دنیا و خودخواهی است، بلکه در مسیر تعالی روحی، نقش اساسی ایفا می‌کند. چنین



انفاقی از نظر قرآن تنها زمانی ارزشمند است که از اخلاص در نیت و توجه به قرب الهی نشأت گرفته باشد. آیه ۱۰۳ سوره توبه نیز همین معنا را تأیید می‌کند، آنجا که زکات و صدقه به عنوان ابزار طهارت و تزکیه معرفی شده است: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا». این آیه نشان می‌دهد که انفاق، وقتی از درون پاک و با نیت قربت انجام گیرد، می‌تواند به تطهیر جان و ارتقاء شخصیت ایمانی انسان بینجامد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۸۳/۲۷). در نگاهی دقیق‌تر به مفهوم «تزکیه» در این زمینه، روشن می‌شود که آنچه انسان را به مقام خشنودی الهی می‌رساند، نه صرف انجام عمل، بلکه نیت درونی و انگیزه الهی اوست. انفاق برای نام و نان، شهرت یا جبران خوبی دیگران، نه تنها تزکیه نمی‌آورد، بلکه چه بسا موجب آلوده شدن عمل به ریا و خودنمایی گردد. در مقابل، وقتی انفاق با نیت پاک انجام می‌شود و شخص به دنبال هیچ پاداشی از بندگان نیست، به سوی پاکی نزد خداوند و رضایت او گام برمی‌دارد. این معنا در تفسیری از واژه «تَزَكِّي» به روشنی دیده می‌شود که مقصود از آن، کوشش برای کسب صفای باطن و نزدیکی به خداوند، به دور از ریا و بزرگ‌نمایی است (طبرسی، بیتا: ۱۳۲/۲۷).

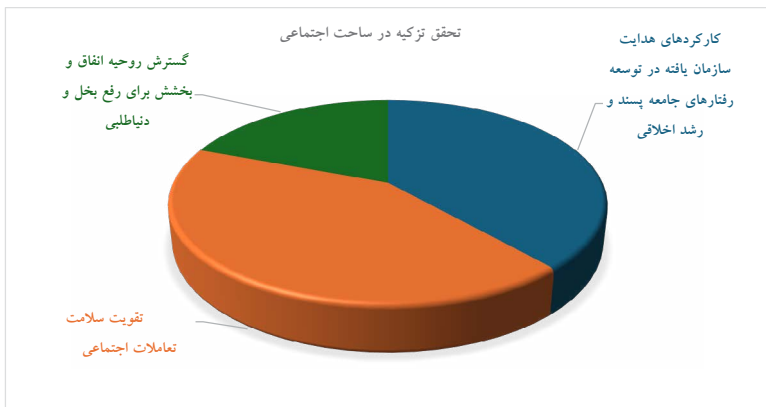
این آیات نشان می‌دهند که انفاق مالی با نیت خالص و الهی علاوه بر تزکیه فردی، نقش اساسی در تزکیه اجتماعی دارد. این انفاق با تقویت ایثار، نوع دوستی و خلوص نیت، زمینه‌ساز اعتماد، همبستگی و تعاون در جامعه می‌شود و باعث تحقق عدالت و کاهش فاصله‌های طبقاتی می‌گردد. به این ترتیب، انفاق خالصانه علاوه بر رشد فردی، موجب اصلاح و پالایش روابط اجتماعی می‌شود که جوهره تزکیه اجتماعی است.

نتیجه‌گیری:

بر اساس تحلیل محتوای آیات مربوط به تزکیه و بررسی ساختار معنایی و مفهومی آن در ساحت اجتماعی، می‌توان به این نتیجه رسید که قرآن کریم برای تحقق تزکیه در جامعه، صرفاً به ارائه توصیه‌های فردی بسنده نمی‌کند، بلکه مجموعه‌ای نظام‌مند از اصول، ساختارها و سازوکارهای اخلاقی-رفتاری را تبیین می‌کند که هر یک در جایگاه خود، نقشی تعیین‌کننده در سلامت و رشد جمعی ایفا می‌کنند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تزکیه در ساحت اجتماع، واجد ابعادی چندلایه است؛ از اصلاح درونی انسان‌ها گرفته تا سالم‌سازی فضای تعاملات بیرونی، و از تبیین نقش راهبران تربیتی تا مبارزه با ریشه‌های درونی فساد اجتماعی همچون استغنا، طغیان، و بخل.

بر این اساس، نمودار نهایی ارائه شده، حاصل دسته‌بندی و تحلیل نظام‌مند این

مؤلفه‌ها در چارچوبی منسجم و برگرفته از محتوای آیات قرآن کریم است. این نمودار تلاش دارد تا با بهره‌گیری از یافته‌های تحلیلی و تفسیری، نظام اخلاقی و اجتماعی قرآن در حوزه تزکیه را در سه محور اصلی ترسیم کند: محور اصلاح روابط اجتماعی، محور هدایت‌گری ساختاری، و محور پالایش درونی از رذائل مادی. هریک از این محورها، مبتنی بر شبکه‌ای از آیات و آموزه‌ها شکل گرفته‌اند که در مجموع، ساختار هدفمند و مرحله‌مند قرآن در جهت نیل به جامعه‌ای متزکیه را به خوبی به نمایش می‌گذارند. در واقع، این الگو بر آن است تا نشان دهد که تزکیه اجتماعی در منطق قرآن، نه صرفاً بر پایه انگیزش‌های فردی، بلکه بر بنیاد یک نظام منسجم اخلاقی- تربیتی استوار است که از درون جامعه می‌جوشد و به کمال آن ختم می‌گردد.



نمودار شماره ۳: تحقق تزکیه در ساحت اجتماعی

با توجه به نمودار ارائه شده، می‌توان تصویری روشن از درجه اهمیت و اولویت عناصر مؤثر در فرآیند تحقق تزکیه در ساحت اجتماعی از منظر قرآن کریم ترسیم کرد. بر این اساس، بخش نارنجی با اختصاص ۴۲ درصد از نمودار، نشان دهنده جایگاه محوری «تقویت سلامت تعاملات اجتماعی» در منظومه قرآنی تزکیه است. از منظر قرآن، روابط میان فردی سالم، بر پایه اعتماد، رعایت حریم‌ها، کنترل زبان و نگاه، و پرهیز از بدبینی و تجاوز به حقوق دیگران، شالوده اخلاق جمعی را شکل می‌دهد. بدیهی است که بستر اصلی انحرافات اخلاقی در محیط‌های اجتماعی ناسالم پدید می‌آید و بر همین مبنا، اصلاح و پالایش تعاملات انسانی در رأس راهبردهای قرآنی برای تحقق جامعه‌ای متزکیه قرار دارد. چنین اصلاحی، صرفاً محدود به توصیه‌های فردی نیست، بلکه در قالب الگوی منسجم رفتاری

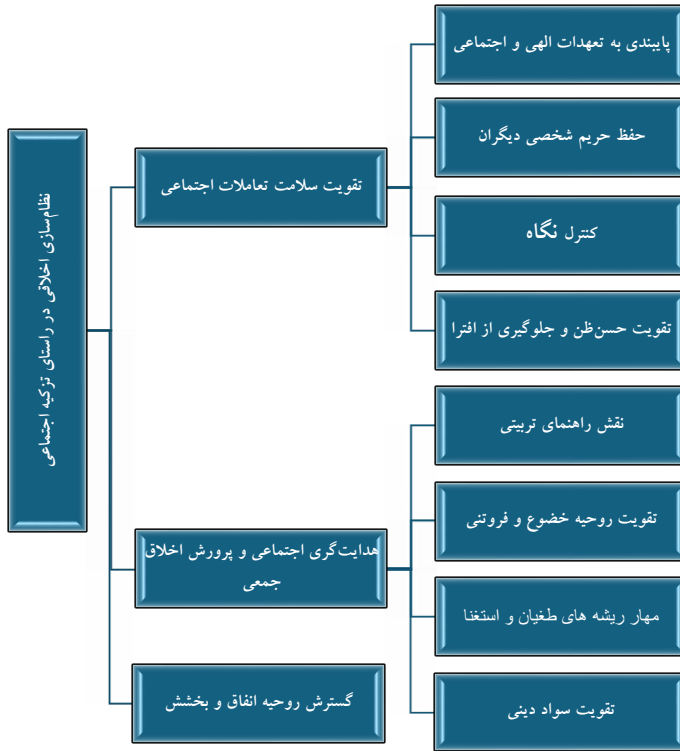


اجتماعی، سلامت عمومی جامعه را تضمین می‌کند. بخش آبی با سهم ۳۹ درصد، بیانگر نقش تعیین‌کننده کارکردهای هدایتی سامان یافته در توسعه رفتارهای جامعه‌پسند و رشد اخلاقی در سطح عمومی است. قرآن کریم برای دستیابی به تزکیه اجتماعی پایدار، تنها به انگیزش‌های فردی بسنده نمی‌کند، بلکه بر لزوم شکل‌گیری نظام تربیتی الهی تأکید دارد. ساختارهای هدایت‌گر اجتماعی، شامل نقش پیامبران، نهاد تعلیم کتاب و حکمت، و نهادهای تربیتی برخاسته از وحی، در شکل‌دهی به فضای فرهنگی جامعه نقش بنیادین ایفا می‌کنند. این هدایات سازمان یافته با هدف پیشگیری از انحرافات تدریجی، تقویت گرایش‌های فطری، و هموار ساختن مسیر پرورش جمعی طراحی شده‌اند و تداوم فرآیند تزکیه در سطح اجتماعی، وابسته به انسجام و حضور فعال این نظام هدایتی است.

در نهایت، بخش خاکستری با ۱۹ درصد از کل سهم، به «گسترش روحیه انفاق و بخشش برای رفع بخل و دنیاطلبی» اختصاص دارد. اگرچه از نظر آماری در رتبه سوم قرار دارد، اما در تراز معنوی، این مؤلفه به عنوان یکی از مؤثرترین راهکارهای درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی شناخته می‌شود. قرآن کریم با توصیه مکرر به انفاق، در واقع راه‌کاری برای مهار ریشه‌های طغیان و استغنا ارائه می‌دهد؛ اموری که زمینه‌ساز شکل‌گیری نابرابری، خودبرتربینی، و فروپاشی همبستگی اجتماعی‌اند. روحیه انفاق‌گرایانه، نه تنها فرد را از چنگال بخل و تعلقات مادی می‌رهاند، بلکه با گشودن دریچه‌هایی به سوی تعاون و حمایت جمعی، زمینه تقویت پیوندهای اجتماعی، کاهش فاصله‌های اقتصادی و استقرار عدالت را فراهم می‌سازد. به این ترتیب، بخشش و گذشت از مال، نقشی بنیادین در ایجاد فضای تزکیه‌محور در جامعه ایفا می‌کنند. در جمع‌بندی می‌توان گفت، تحقق تزکیه اجتماعی از منظر قرآن کریم، فرایندی چندسطحی و منسجم است که در آن، اصلاح روابط اجتماعی به عنوان بستر اصلی، هدایت‌های تربیتی به عنوان چارچوب راهبردی، و انفاق به عنوان سازوکار روانی. اجتماعی برای مقابله با مفاسد درونی، به صورت متقابل در تحقق جامعه‌ای متعادل، اخلاق‌محور و رو به کمال، نقش آفرین‌اند.

در پایان این بخش، به منظور تبیین ساختار منسجم و نظام‌مند اخلاق اجتماعی در راستای تحقق تزکیه، الگویی ارائه شده است که حاصل تلفیق یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای آیات قرآن کریم و دسته‌بندی مفهومی راهکارهای قرآنی در عرصه اجتماع می‌باشد. این نمودار با رویکردی تلفیقی، عناصر و

مؤلفه‌های اصلی نظام اخلاقی قرآن در جهت تربیت اجتماعی و تهذیب جمعی را ترسیم می‌نماید.



نمودار شماره ۴: الگوی نظام سازی اخلاقی در راستای تزکیه اجتماعی



منابع:

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق): مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق): لسان العرب، قم: ادب الحوزه.
۵. باردن، لورانس، (۱۳۷۵). تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، دانشگاه شهید بهشتی.
۶. ترکمانی، حسینعلی؛ بیگدلی، رمضانعلی (۱۳۹۴): معناشناسی تزکیه در قرآن کریم با رویکردی بر مولفه های تربیتی، آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث، ش ۱، ص ۱۰۹-۱۲۴.
۷. جانی پور، محمد؛ شکرانی، رضا (۱۳۹۲): رهاوردهای استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث، پژوهش های قرآن و حدیث، قم.
۸. جلیل اوغلی، جلیل (۱۳۸۹): تقدم و تأخر تزکیه و تعلیم در قرآن با استناد به منابع تفسیری، رشد آموزش قرآن، ش ۳۱، ص ۴۲-۴۶.
۹. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۲ق): نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۴۹، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۱۰. سعیدی حسینی، معصومه السادات (۱۳۹۸): تحلیل محتوای مفهوم توکل در قرآن کریم، تهران: دانشگاه الزهراء (س).
۱۱. سلیمی، علی؛ رحیمی پور، سارا (۱۳۹۱): جایگاه، اهمیت و رابطه میان تزکیه و تعلیم در مباحث تربیتی قرآن کریم، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۹، ص ۵۱-۶۶.
۱۲. صدر، سید موسی (۱۳۸۹): روش تزکیه از نگاه قرآن، پژوهش های قرآنی، ش ۶۱، ص ۲۲-۴۱.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴): المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلام.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۳۱ق): مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (بی تا): التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹): وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البیت.
۱۷. عترت دوست، محمد (۱۳۹۸): روش شناسی فهم حدیث در فرآیند سه گانه تحلیل متن، تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان، تهران: حدیث پژوهی.
۱۸. فراهیدی، احمد بن خلیل (۱۴۱۰): العین، بی جا: مؤسسه دارالهیجره.
۱۹. فلاح پور، مجید (۱۳۹۰)، معنا و مفهوم تزکیه در قرآن، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۱۱، ص ۴۳-۶۰.
۲۰. فیروزجانیان، علی اصغر؛ هاشمی (۱۳۹۵): سیدضیاء، قانون گریزی به مثابه آنومی اجتماعی، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۴۷، ۸۱-۱۰۶.
۲۱. فیروزفرز، علیرضا؛ نصیری، جواد؛ فیروزفرز، سمیه (۱۳۹۳): رویکرد قرآن و عرفان به معنا و مفهوم تزکیه، عرفان اسلامی، ش ۳۹، ص ۱۷۳-۱۹۲.
۲۲. فیروزمهر، محمدمهدی (۱۳۹۶): روش های کلی تزکیه ی نفس از نگاه علامه در المیزان، مطالعات اخلاق کاربردی، ش ۲۵، ص ۳۵-۵۵.
۲۳. قرائتی، محسن (۱۳۸۸): تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۲۴. قمی مشهدی، محمد (۱۴۲۰ق): تفسیر کنزالذائق، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. قهرمانیان، مریم؛ حسینی زاده، سید علی (۱۳۹۰): تحلیل و معناشناسی تزکیه و تهذیب در آیات قرآن با تأکید بر تفسیر المیزان، مطالعات تفسیری، ص ۹-۲۴.
۲۶. کرپیندورف، کلاوس (۱۳۸۷): مبانی روش شناسی تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نائینی، تهران: روش.

۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق): بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء الكتب العربية.
۲۸. محمدی، صیاد؛ جلال پور، شیوا؛ یوسفی، بهرام؛ عامری گلستانی، حامد (۱۴۰۱): بررسی رابطه بین استفاده از شبکه های اجتماعی نوین با آگاهی سیاسی و آنومی اجتماعی در شهروندان استان ایلام، جامعه، فرهنگ و رسانه، شماره ۴۴ (ب)، صص ۱۱۹—۱۴۴.
۲۹. محمدی مهر، غلامرضا (۱۳۸۹): روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق)، تهران: گنجینه علوم انسانی: دانش نگار.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲): فطرت، تهران، انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده عمران.
۳۱. مراغی، احمد مصطفی (بی تا): تفسیر المراغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. مصطفوی، حسن (۱۴۱۶ق): التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱): تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. ----- (۱۳۷۳): ترجمه قرآن، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، نوبت چاپ دوم.
۳۵. ----- (۱۳۸۴): نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان، تهیه و تنظیم: محمدجعفر امامی و محمدرضا آشتیانی، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، نوبت چاپ اول.
۳۶. هولستی، اولی رادولف (۱۳۹۱): تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی،.
۳۷. یاراحمدی خراسانی، مهدی (۱۳۹۴): نظریه های بی سازمانی اجتماعی. پایگاه جامع مدیریت.

References

1. The Holy Qur'an
2. Ibn Fāris, Ahmad (1404 AH). Maqāyīs al-Lughah. Qom: Daftar Tablighāt Islāmī.
3. Ibn Manzūr, Muhammad ibn Mukarram (1405 AH). Lisān al-'Arab. Qom: Adab al-Hawzah.
4. Barden, Lawrence (1996). Content Analysis. Translated by Maliheh Ashtiani & Mohammad Yamani Dozi. Tehran: Shahid Beheshti University.
5. Torkamani, Hosseinali; Beigdeli, Ramazanalī (2015). "Semantic Analysis of Tazkiyah in the Holy Qur'an with Emphasis on Educational Components." Educational Teachings in Qur'an and Hadith, No. 1, pp. 109–124.
6. Janipour, Mohammad; Shekarani, Reza (2013). "The Achievements of Using Content Analysis Method in Understanding Hadiths." Qur'anic and Hadith Researches, Qom.
7. Jalil Oghlī, Jalil (2010). "Precedence and Delay between Tazkiyah and Ta'lim in the Qur'an Based on Exegetical Sources." Qur'an Teaching Development, No. 31, pp. 42–46.
8. Huwayzī, 'Abd 'Alī ibn Jum'ah (1412 AH). Nūr al-Thaqalayn, Vol. 1, p. 349. Qom: Isma'iliyyān Publications.
9. Saeedi Hosseini, Masoumeh-Sadat (2019). Content Analysis of the Concept of Tawakkul in the Holy Qur'an. Tehran: Alzahra University.
10. Salimi, Ali; Rahimipour, Sara (2012). "The Status, Significance, and Relationship between Tazkiyah and Ta'lim in the Educational Discourses of the Qur'an." Qur'anic Knowledge Journal, No. 9, pp. 51–66.
11. Sadr, Seyyed Mousa (2010). "The Method of Tazkiyah from the Perspective of the Qur'an." Qur'anic Studies Journal, No. 61, pp. 22–41.
12. Ṭabāṭabā'ī, Seyyed Mohammad Hossein (1995). Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'ān, translated by Mohammad Baqer Mousavi Hamedani. Qom: Islamic Publications Office.
13. Ṭabarsī, Faḍl ibn Ḥasan (1431 AH). Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān. Beirut: Dār al-Ma'rifah.
14. Tūsī, Muhammad ibn Ḥasan (n.d.). Al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'ān. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
15. 'Āmilī, Muhammad ibn Ḥasan (1409 AH). Wasā'il al-Shī'ah ilā Taḥṣīl Masā'il al-Sharī'ah. Qom: Āl al-Bayt Institute.
16. Etratdoost, Mohammad (2019). Methodology of Understanding Hadith in the Threefold Process of Text Analysis, Content Analysis, and Discourse Analysis. Tehran: Hadith Studies.
17. Fārāhidī, Ahmad ibn Khalīl (1410 AH). Al-'Ayn. [n.p.]: Dār al-Hijrah Institute.
18. Fallahpour, Majid (2011). "Meaning and Concept of Tazkiyah in the Qur'an." Research in Islamic Education Issues, No. 11, pp. 43–60.
19. Firoozjaeian, Ali-Asghar; Hashemi, Seyyed Zia (2016). "Law-Evasion as Social Anomie." Journal of Social Security Studies, No. 47, pp. 81–106.
20. Firoozfar, Alireza; Nasiri, Javad; Firoozfar, Somayeh (2014). "The Qur'anic and Mystical Approaches to the Concept of Tazkiyah." Islamic Mysticism Journal, No. 39, pp. 173–192.
21. Firoozmehr, Mohammad Mahdi (2017). "General Methods of Self-Purification from the Viewpoint of Allameh in Al-Mīzān." Applied Ethics Studies, No. 25, pp. 35–55.
22. Qaraati, Mohsen (2009). Tafsīr-e Nūr. Tehran: Markaz-e Farhangi Dars-hāyi az Qur'an.
23. Qommi Mashhadi, Muhammad (1420 AH). Kanz al-Daqā'iq. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
24. Qahramanian, Maryam; Hosseinizadeh, Seyyed Ali (2011). "Semantic Analysis of Tazkiyah and Tahdhib in the Qur'an with Emphasis on Al-Mīzān." Exegetical Studies Journal, pp. 9–24.

25. Krippendorff, Klaus (2008). Content Analysis: An Introduction to Its Methodology. Translated by Houshang Naeini. Tehran: Ravesh.
26. Majlisi, Muhammad Baqer (1403 AH). Bihār al-Anwār al-Jāmi'ah li-Durar Akhbār al-A'immah al-Aṭhār. Beirut: Dār Iḥyā' al-Kutub al-'Arabiyyah.
27. Mohammadi, Sayyad; Jalalpour, Shiva; Yousefi, Bahram; Ameri Goleštani, Hamed (2022). "The Relationship between the Use of New Social Media and Political Awareness and Social Anomie among Citizens of Ilam Province." Society, Culture, and Media, No. 44 (b), pp. 119–144.
28. Mohammadi-Mehr, Gholamreza (2010). Content Analysis Method (A Practical Guide to Research). Tehran: Daneshnegar.
29. Motahhari, Morteza (1983). Fetrat (Innate Nature). Tehran: Islamic Association of Civil Engineering Students.
30. Marāghī, Ahmad Moṣṭafā (n.d.). Tafsīr al-Marāghī. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
31. Moṣṭafavī, Hassan (1416 AH). Al-Taḥqīq fi Kalimāt al-Qur'ān. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
32. Makarem Shirazi, Nasser (1992). Tafsīr-e Nemounch. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
33. ——— (1994). Translation of the Holy Qur'an. Qom: Center for Historical and Qur'anic Studies.
34. ——— (2005). Nahj al-Balāghah: Simplified Persian Translation, edited by Mohammad Jafar Emami and Mohammad Reza Ashtiani. Qom: Madreseh al-Imam 'Ali ibn Abi Talib (A), 1st ed.
35. Holšti, Ole Rudolf (2012). Content Analysis in the Social and Human Sciences. Translated by Nader Salarzadeh Amiri. Tehran: Allameh Tabataba'i University.
36. Yarahmadi Khorasani, Mehdi (2015). Theories of Social Disorganization. Comprehensive Management Database.